

گزارش «وطن امروز» از عدم واکنش وزارت خارجه نسبت به حکومت پاریس درباره حضور سرکرده گروهک جنایتکار منافقین در پارلمان فرانسه

تماشاخانه مهد ترورکراسی

گروه سیاسی: ۴ روز از اقدام پارلمان فرانسه در دعوت از سرکرده گروهک تروریستی منافقین برای سخنرانی در جمع نمایندگان این کشور می‌گذرد، با این حال وزارت امور خارجه هنوز واکنشی به این گستاخی فرانسوی‌ها نشان نداده است.

به گزارش «وطن‌امروز»، مریم رجوی، سرکرده تروریست‌های منافقین روز پنجشنبه گذشته به پارلمان فرانسه رفت تا در جمع رئیس پارلمان و مقامات فرانسوی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران سخنرانی کند.او در سخنرانی خود بارها از مقامات فرانسوی به‌خاطر حمایت‌های گسترده از منافقین قدردانی کرد.

سرکرده منافقین در مجلس ملی فرانسه بر نابودی برنامه موشکی ایران تأکید کرد. او همچنین گفت جمهوری اسلامی ایران نسبت به مواضع اروپایی‌ها مبنی بر تعطیلی برنامه موشکی تهران، بی‌اعتناست، نکته جالب اینکه سرکرده گروهک تروریستی منافقین در سخنرانی خود به مقامات فرانسوی گفت هسته‌های «شورشی» را در ایران علیه جمهوری اسلامی ایران تشکیل داده است. او در این‌باره گفت: «یک تحول مهم در ایران رخ داده است، این نیرو کانون‌های شورشی است. واحدهایی که از اعضا و هواداران مقاومت ایران تشکیل شده است، آنها از میان نسل جوان و آزادی‌خواه ایران برخاسته‌اند. در یک سال اخیر، کانون‌های شورشی فعالیت‌های ضد رژیم را در دهها شهر ایران گسترش داده‌اند». او سپس از فرانسوی‌ها خواست به سیاست خود در حمایت از منافقین ادامه دهند و منافقین را به عنوان رژیم جایگزین جمهوری اسلامی به رسمیت بشناسند!

سخنرانی سرکرده یک گروهک تروریستی درباره «هسته‌های شورشی» در ایران یک معنای روشن دارد و آن اقدام به خرابکاری و ایجاد ناامنی در ایران است. از سوی دیگر زمانی که این سخنان در پارلمان فرانسه بیان می‌شود، پیام آن تصریح فرانسه بر دشمنی با ایران و به نوعی اعلان جنگ فرانسه به ایران خواهد بود.

با همه اینها و به‌رغم اینکه انتظار می‌رفت وزارت امور خارجه به سرعت در قبال این گستاخی فرانسه واکنش نشان دهد، دستگاه تحت مدیریت محمدجواد ظریف تاکنون و در حالی که ۴ روز از این ماجرا می‌گذرد، از اعلام یک موضع حداقلی نیز خودداری کرده است، چه رسد به احضار یا اخراج دیپلمات‌های فرانسوی از ایران.

این انفعال وزارت امور خارجه زمانی بیشتر به چشم می‌آید که تصور شود ناآرامی‌های ۴ ماه اخیر در فرانسه را که از سوی

تلنگر خانم صدراعظم

برخی مسؤولان دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان مبتنی بر پذیرش تفاوت ماهوی مقامات آمریکایی و اروپایی در پروسه مواجهه با ایران، سرعت چنین این پازل مشترک را تسریع کرده است.

درست در چنین منظومه و ساختاری است که آنگلا مرکل عدم مشارکت وزیر خارجه خود در کنفرانس ورشو را با تأکید بر رویکرد مشترک واشنگتن و اتحادیه اروپایی در تقابل با ایران (در نشستنی به میزبانی خود آلمان‌ها در مونیخ) تلافی می‌کنند! چنین رویکردی در میان سایر مقامات اروپایی نیز وجود دارد؛ تأکید مکرر «ژان ایبولودریان» وزیر خارجه فرانسه بر لزوم توقف فعالیت‌های موشکی ایران در راستای عمل به تعهدی است که «امانوئل مکرون» رئیس‌جمهور فرانسه درباره تحدید توان موشکی و دفاعی ایران به مقامات آمریکایی و صهیونیست داده است. این تعهد، به صورت مشخص ابتدای تابستان سال ۹۵ از سوی مکرون به ترامپ و نتانیاهو داده شد.

بدون شک اظهارات مرکل، تلنگری به‌اصلاح‌طلبان و حامیان فتنه ۸۸ و کسانیی محسوب می‌شود که همچنان روی فرضیه باطلی به نام «استقلال اروپا از آمریکا»(۱) و تفاوت رویکرد ضدایرانی اروپاییان با کاخ سفید اصرار و پافشاری می‌کنند. در این منظومه، اساسا اهمیتی ندارد که سوسپال –دموکراتها یا

جلیقه‌زرها شکل گرفته و تاکنون خسارات زیادی نیز به این کشور وارد کرده است، یک گروه مستقر در ایران مدیریت می‌کرد یا برعهده می‌گرفت؛ در آن صورت واکنش طرف فرانسوی چه بود؟ سابقه چند ماه اخیر فرانسه و سایر کشورهای اروپایی نشان می‌دهد اروپایی‌ها در این باره نه تنها کمترین مماشاتی نخواهند داشت، بلکه تاکنون و به دفعات، بسیاری از دیپلمات‌های بی‌گناه ایرانی را صرفا به دلیل برخی اتهامات اثبات نشده احضار، اخراج و در مواردی بازداشت کرده‌اند! اسدالله اسدی، دیپلمات ایرانی مستقر در وین نمونه‌ای از همین رویه اروپایی‌هاست که تیرماه گذشته به‌واسطه برخی ادعاهای اثبات نشده، برخلاف تمام قوانین دیپلماتیک دستگیر شده و پس از گذشت ۸ ماه همچنان در بازداشت به سر می‌برد.

■ **سخت‌گویی خواهد سفیر شود**
آیا موضوع حضور بهرام قاسمی، سخت‌گوی وزارت امور خارجه به عنوان سفیر ایران در پاریس، یکی از دلایل عدم تمایل وزارت امور خارجه در واکنش نشان دادن به اعلام دشمنی آشکار و به عبارتی اعلان جنگ علنی فرانسه به ایران است؟

از چند ماه قبل موضوع انتخاب قاسمی به عنوان سفیر ایران در پاریس مطرح بوده است. آخرماه گذشته نیز «وطن‌امروز» در گزارشی با اشاره به همین موضوع نوشته بود: انتصاب قاسمی به عنوان سفیر ایران در فرانسه قطعی و نهایی شده بود اما طرف فرانسوی، پذیرش قاسمی را منوط به عنذرخواهی رسمی ایران از فرانسه به خاطر ماجرای ادعای بمب‌گذاری در همایش منافقین کرده است!

بیش از ۶ ماه از عدم معرفی سفیر جدید فرانسه در تهران می‌گذرد. فرانسه حدود ۲ هفته بعد از ادعای واھی دستگاه امنیتی بلژیک مبنی بر تلاش ایران برای بمب‌گذاری در همایش منافقین، سفیر خود در ایران را فراخواند و تاکنون نیز سفیر جدیدی معرفی نکرده است. در مقابل از تابستان امسال با پایان یافتن مسؤولیت ابوالقاسم دلفی، سفیر پیشین ایران در فرانسه، جایگزین وی معرفی نشده است و این یعنی از تابستان امسال تاکنون فرانسه و ایران در کشوهای یکدیگر سفیر ندارند.

۲۸ شهریور گذشته رویترز در خبری از شرط فرانسه برای

معرفی سفیر جدید در تهران پرده برداشت. در این خبر صراحتا عنوان شد عدم معرفی سفیر به ماجرای ادعای واھی تلاش ایران برای بمب‌گذاری در همایش سالانه منافقین مرتبط است. این رسانه انگلیسی به نقل از منابعی که نامی از آنها نبرده، گزارش داد: فرانسه تا زمانی که ایران درباره طرح ادعایی بمب‌گذاری در گردهمایی مجاهدین خلق در پاریس اطلاعاتی در اختیار فرانسه نگذارد، از معرفی سفیر جدید خود در تهران خودداری خواهد کرد. یک منبع نزدیک به ریاست‌جمهوری فرانسه در این رابطه به رویترز گفت: «ما امروز در تهران کاردار داریم و دیالوگی در سطح بالا میان مقام‌های فرانسوی و ایرانی در جریان است». وی بیان داشت: «ما سعی داریم روشن کنیم ماجرا پیرامون این حادثه چه بود… من نمی‌گویم رابطه مستقیمی آیا منصوب نشدن یک سفیر| وجود دارد اما ایران قول داده در هفته‌های آینده فکت‌هایی عینی در اختیار ما بگذارد که امکان خواهد داد روابط دیپلماتیک خود را به صورتی که حالا هست دنبال کنیم». همچنین یک منبع دیپلماتیک فرانسوی هم به این رسانه انگلیسی گفت: «معرفی سفیر جدید در نتیجه آن توطئه ادعایی معلق شده است».

دولت فرانسه به طور کلی به تهران گفته است ایران باید رسما از فرانسه به خاطر ماجرای ادعای بمب‌گذاری در همایش منافقین عنذرخواهی کند. فرانسه گفته است تا زمانی که ایران در زمینه عنذرخواهی نکند، نه سفیر جدیدی به تهران معرفی می‌کند و نه سفیر جدید ایران را در پاریس می‌پذیرد!

در همین راستا ۲ هفته قبل و پس از سفر عراقچی، معاون ظریف به فرانسه، نشریه فرانسوی لوفیگارو از بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه به عنوان سفیر جدید ایران در فرانسه نام برده بود. معاون ظریف به این نشریه فرانسوی گفت: برای تبادل سفرا در موعدی خیلی نزدیک (طی روزهای آینده) توافق کردیم.

■ **عواقب شرطی شدن دستگاه ظریف**

با همه اینها به نظر می‌رسد سکوت دستگاه دیپلماسی ظریف در قبال گستاخی اخیر فرانسه فراتر از ملاحظات دیپلماتیکی چون معرفی سخت‌گوی وزارت امور خارجه به عنوان سفیر ایران

منیهایتنی



موعد عمل به این وعده‌ها را به تأخیر انداخت، بلکه در بیانه‌ای که ۱۱ بهمن‌ماه وزرای خارجه ۳ کشور اروپایی در این باره منتشر کردند، نه خبری از تضمین فروش نفت بود و نه بازگشت شرکت‌های اروپایی، بلکه صرفا یک شر کت ذی‌حسابی مشترک میان اروپا و ایران تشکیل شد.

اکنون با مشخص شدن سطح اقدامات اروپا برای حفظ برجام که در قالب INSTEX تعریف شد، این سوال مطرح می‌شود: وزارت امور خارجه این‌بار به خاطر کدام قید و ملاحظه نمی‌تواند وضعی شفاف و صریح در مقابل حضور سرکرده گروهک منافقین در پارلمان فرانسه بگیرد؟ «وطن‌امروز» در گزارش ۲ روز قبل خود در این باره نوشته بود: «سکوت وزارت امور خارجه ایران در قبال فعالیت‌های آزادانه منافقین در فرانسه و تشدید اقدامات آنها علیه ایران در این کشور، باز هم روایتگر همان انفعال خطرناک و پرهیزنهای است که چند سالی است دیپلماسی ایران را به سمت فلج شدن حرکت داده است. این سوال بسیار جدی است که چرا وزارت امور خارجه اقدامی برای نشان دادن هزینه‌های این حمایت علنی الیزه از منافقین انجام نمی‌دهد؟ در حالی که دولت امانوئل مکرون درگیر جنبش مردمی جلیقه‌زرهاست، حمایت آزادانه پاریس از منافقین نشان می‌دهد آنها هیچ حساساس ضعیفی در قبال دولت ایران ندارند و در اوج فشار نیز برنامه‌های خود برای اعلام حمایت از تروریست‌های ضدایرانی را پیگیری می‌کنند.

به اعتقاد کارشناسان، انفعال وزارت امور خارجه در قبال رفتارهای خصمانه و غیردوستانه اروپایی‌ها بویژه فرانسه، تأثیر مستقیمی بر تضعیف شاخص‌های امنیتی کشور خواهد گذاشت. کما اینکه اما رها نشان می‌دهد حوادث تروریستی در ایران، پس از توافق برجام به مراتب بیشتر و شدیدتر از گذشته بوده است».

دست‌های خالی آقای ظریف

نمی‌افتد، اتفاقی نمی‌افتد» حالا دارند می‌بینند». این اظهارات در واقع اعمال فشار عمومی بر مجمع تشخیص مصلحت نظام برای اتخاذ تصمیمی است که معتمدان نظام تاکنون آن تصمیم را خلاف مصلحت کشور و مردم دانسته‌اند؛ آن هم با لحنی بی‌ایدانه! گویی وزیر امور خارجه فراموش کرده است آنچه در مجمع تشخیص مصلحت نظام در حال بررسی است، تصمیم‌گیری برای جلوگیری از افزایش تبعات اقتصادی خرابکاری خودش در فقره برجام است!

آقای ظریف که تا پیش از این برای فرار از پاسخویی به انبوه انتقادات مربوط به فجاج به بار آمده از برجام، این توافق را تصمیم حاکمیت عنوان می‌کرد و با این بهانه، متعقدان را دعوت به سکوت و عدم انتقاد می‌کرد، حالا گویا نمی‌داند مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز بخشی از همین حاکمیت است و مجموعه‌ای از معتمدان نظام در این مجمع، فعلا تشخیص داده‌اند با تجربه‌اندوژی در رفتار طرف‌های خارجی در توافق هسته‌ای، در تصویب این لوایح بدون در نظر گرفتن جوانب آن شتابزده عمل نکنند. اتفاقا همین اظهارات غیرمسئولانه ظریف را می‌توان در شمار اقداماتی دانست که بحران اعتبار او نزد مردم و مجموعه‌های حاکمیتی را تشدید می‌کند.

البته این موارد مطرح شده صرفا انتقاداتی است که درباره منافات رفتار وزیر امور خارجه با منافع ملی گفته شده است. با این حال اما آیا باید ما را شماتت کرد اگر حداقل نسبت به برخی رفتارهای غیرملی آقای ظریف، نگاه رزیبانه‌تری داشته باشیم؟ ما همچنان طبق فرمایش ۵–۴ سال قبل رهبر انقلاب که فرمودند به این افراد خائن نگوییم، به آنها خائن نمی‌گوییم و دلایلی برای اثبات این خیانت نیز در اختیار نداریم، با این حال اما حقیقتا نمی‌توان نسبت به برخی اقدامات شخص وزیر امور خارجه به دیده شک و تردید نگاه نکرد!

چگونه می‌توان اصرار آقای ظریف بر تداوم مسیری را که هزینه‌های هنگفت آن در ۳ سال گذشته بارها برای ما ثابت شده، ناشی از فهم محاسباتی او دانست؟ وزیر امور خارجه اگر در ماجرای تضمین برای اجرای تعهدات طرف آمریکایی و تروئیکای اروپایی دچار خطا شد، اکنون چرا در شرایطی که وضعیت اقتصادی خطرناک شده است و غلظایت برای مقابله با بدتر شدن اوضاع، به حفظ ابزارهای داخلی و وطنی حکم می‌کند، اصرار می‌کند سازوکاری پذیرفته شود که ابتکار عمل ایران در مقابله با تحریم‌ها و افزایش هزینه عهدشکنی طرف خارجی را از بین می‌برد؟ و برای به کرسی نشاندن برنامه‌اش تلاش می‌کند افکار عمومی را علیه مجمع تشخیص مصلحت نظام بشوراند؟ آیا این اقدام، یعنی فشار به معتمدان نظام، به مصلحت نظام و مردم است؟

بگذارید اگر اینها را خائن نمی‌دانیم، حداقل آنها را مشکوک‌بدانیم!

عمل این تحریم‌ها را رعایت کرده و در مقابل، این ایران

است که تنها کشور وفادار به برجام مانده است! همین رویه اشتباه در ماجرای اعتماد به اروپایی‌ها و معطل نگه داشتن کشور به بهانه SPV نیز تکرار شد تا پس از ۸ ماه مذاکره، اروپا بسته پیشنهادی «غذا در مقابل نفت» (آن هم نفتی که اروپا نمی‌خرد) را روی میز آقای وزیر امور خارجه بگذارد!

اما در حوزه فنی اگر مذاکرات هسته‌ای آبی برای مردم ایران گرم نکرد اما حداقل برای دوستان سیاسی آقای ظریف نان داشت! رفتارهای جناحی آقای ظریف و پیشبرد اهداف محفلی در قالب مذاکرات هسته‌ای و در بیان حرف‌های درگوشی با آمریکایی‌ها برای برکشیده شدن یک جریان سیاسی در انتخابات را و هم اگر تا پیش از این تنها رسانه‌های منتقد می‌گفتند اما حالا توجه معتمدان نظام را نیز به خود جلب کرده است. اما ۲ موضوع محوری دیگر نیز موجب اعتبارزایی از وزیر امور خارجه شده است: نخست اظهارات غیرمسئولانه او در انکار ماهیت و هدف‌گذاری مذاکرات هسته‌ای و اینکه صراحتا اعلام کرد مذاکرات هسته‌ای و برجام با اهداف اقتصادی و معیشتی صورت نگرفت. این اظهار نظر ظریف نه‌تنها موجب بی‌اعتبار شدن او در افکار عمومی شده بلکه جایگاه مهم او در ساختار سیاسی نظام اسلامی یعنی جایگاه وزیر امور خارجه را که یک جایگاه ملی است نیز مخدوش می‌کند. اما موضوع دیگر، اظهارات تاسف‌برانگیز و در واقع انتحاری او درباره پولشویی بود که نه‌تنها اتهامی درشت و هزینه‌ساز به مجموعه کشور وارد کرد، بلکه در اصل نشان داد یا فاقد ادراک لازم در فهم جایگاه وزیر امور خارجه است یا اهداف مهم دیگری از طرح

ایسن ادعا دارد که این اهداف هیچ ربطی به منافع و مصالح ملی ندارد، بلکه صرفا منافع شخص خودش را تأمین‌می‌کند. ایسن موضوعات باعث شده وزیر امور خارجه فاقد اعتبار لازم برای اثرگذاری در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های فعلی کشور در حوزه سیاست خارجی باشد. ۳- محمدجواد ظریف دیروز در حاشیه همایش چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی ایران درباره تصمیم اخیر گروه ویژه اقدام مالی (FATF) و تمدید تعلیق حضور ایران در لیست سیاه، حرف‌هایی زد که نشان داد او دست به یک انتحار بی‌سابقه و البته مشکوک زده است و باید هرچه سریع‌تر نسبت به علاج این عارضه تدبیر کرد. او همانند اظهار نظرش در قبال ماجرای پولشویی، نوک پیکان اتهام را به سمت درون نظام و مجمع تشخیص مصلحت نظام گرفت و گفت: «دوستان واقعیات را نگاه کنند و تصمیم بگیرند، هر تصمیمی هم بگیرند ما تبعیت می‌کنیم اما خوب بدانند که تصمیم آنها چه آثاری دارد. دوستان ما نگاه کنند و بر اساس واقعیات تصمیم بگیرند، تا حالا می‌گفتند «اتفاقی

ادامه از صفحه اول

حالا یک سوال کلیدی‌تر مطرح است که مبنای تصمیم مجمع تشخیص در قبال این لوایح را روشن‌تر می‌کند. تصویب لوایح FATF یا هزینه‌هایی مانند عدم پذیرش حقوق تحفظ و جلوگیری از بهانه‌جویی‌های بیشتر آمریکا (یعنی آن چیزی که ظریف می‌گوید) برای کشور به صرفه‌تر است یا تکیه بر توان و قدرت انتخاب و اختیار داخلی و مقابله با تحریم‌ها و بویژه استفاده از مجاری دور زدن تحریم‌ها (یعنی آنچه اکثریت اعضای مجمع تشخیص معتقدند، در روزهایی که تحریم‌ها پشدت افزایش یافته و به واسطه تبعیت اروپا از آمریکا، مرادوات بانکی ایران تقریبا به مقفز نزدیک خواهد شد، حضور یا عدم حضور ایران در شبکه بانکی بین‌المللی بیشتر به مصلحت کشور است یا وابسته نکردن وضعیت کشور به تصمیمات و توافقات خارجی و حفظ راه‌های دور زدن تحریم‌ها و تکیه بر توان داخلی برای جلوگیری از تشدید بحران اقتصادی فعلی؟

این سوال را می‌شود باز هم ساده‌تر کرد: برای اینکه اوضاع اقتصادی مردم از این بدتر نشود، بهتر است باز هم به توافقات خارجی دلخوش کرد که آخرین راه‌های مقابله ایران با تحریم را هم مسدود می‌کند یا اینکه راه‌های مقابله با تحریم‌ها را حفظ کرد و با توجه به بدعهدی خارجی‌ها در برجام، یک بار دیگر سکان کشور را به دست خارجی‌ها نداد؟

بنابراین واضح است اختلاف درباره شیوه‌های بدتر نشدن اوضاعی است که به‌خاطر سیاست‌های مدیریتی دولت روحانی بویژه سیاست خارجی محمدجواد ظریف بر کشور تحمیل شده است.

هر آدم عاقلی جواب این انتخاب را می‌داند، آن هم حالا که بیش از ۳ سال از توافق هسته‌ای گذشته و مردم و بویژه نسل جوان ایرانی درک واقع‌بینانه‌تری نسبت به معادلات جهانی و سیاست خارجی پیدا کرده‌اند.

۲- دلیل آنکه معتمدان نظام در مجمع تشخیص مصلحت، به مصلحت کشور نمی‌دانند دیگر به خارجه‌ها اعتماد و آخرین راهکارهای مقابله با تحریم‌ها را نیز دودستی تقدیم خارجی‌ها کنند، تنها به‌واسطه ناتوانی محمدجواد ظریف در دادن پاسخ به سوالات کلیدی آنها نیست، دلایل مهم دیگری نیز وجود دارد. واقعیت آن است که شخص وزیر امور خارجه، با وجود اعتباری نزد معتمدان نظام ندارد. در حوزه فنی، با وجود ادعاهای بسیار اما عیار آقای وزیر امور خارجه در توافق هسته‌ای مشخص شد. ناتوانی ظریف در فهم مناسبات قدرت در آمریکا و بی‌توجهی به تأکید دلسوزان مبنی بر گرفتن تضمین‌های معتبر در برجام و تصویب این توافق در گنگره آمریکا، بالا منجر به وضعیتی شده که آمریکا براحتی و با کمترین هزینه ممکن از برجام خارج شده، تحریم‌ها را باز گردانده و بر آنها افزوده، اروپا نیز در

محافظه‌کاران اروپایی در رأس معادلات سیاسی و

اجرائی این کشورها باشند! همچنین در این پروسه، حضور یا عدم حضور دموکرات‌ها یا جمهوری‌خواهان در کاخ سفید اهمیتی ندارد. آنچه در این‌باره اصالت و موضوعیت دارد، همپوشانی آمریکا و اروپا در تقابل با نظام و ملت کشورمان است. آیا اصلاح‌طلبان فراموش کرده‌اند مثلث «جک استراو، بوشکا فیشر و دومینیک دوویلپن»- که در دوران مذاکرات سعدآباد وزرای خارجه ۳ کشور اروپایی بودند و از آنها به عنوان سیاستمدار معقول در انگلیس، آلمان و فرانسه یاد می‌شد- چگونه با حداقلی‌ترین مطالبات کشورمان درباره استفاده از فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای مخالفت کردند و بدترین بیانه‌ها و توافقات ممکن را در قبال کشورمان منعقد کردند؟ امروز نیز افرادی مانند آنگلا مرکل، امانوئل مکرون و ترزا می به دنبال اعمال انواع محدودیت‌های دفاعی، سیاسی، اقتصادی- و حتی علمی (با بررسی پایان‌نامه‌های دانشجویی و بازندهای سرزده از دانشگاه‌های ایران)- علیه کشورمان هستند تا از این طریق، پروسه دفرم‌سازی اصول و ثوابت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و در نتیجه، تغییر ماهیت انقلاب اسلامی را مدیریت کنند؛ هدفی که مقامات اروپایی و آمریکایی با توجه به وجود نعمت الهی «ولایت‌فقیه» البته هیچ‌گاه به آن دست نخواهند یافت؛ آن‌شالله.

ادامه از صفحه اول

متعاقب خروج ترامپ از توافق هسته‌ای با ایران نیز مذاکرات پشت پرده مقامات اروپایی و وزارت خارجه ایالات متحده بر سر چگونگی «مواجهه مشترک» با ایران ادامه یافت. به عبارت بهتر، به‌رغم برخی تصورات نادرست در داخل کشورمان- متأسفانه بویژه در میان مقامات بلندپایه وزارت خارجه و دولت آقای روحانی- متعاقب خروج واشنگتن از برجام همکاری‌های ضدایرانی طرفین آمریکایی و اروپایی نه‌تنها ادامه یافت بلکه تشدید هم شد.

محصول و خروجی این بازی مشترک، ارائه بسته پیشنهادی مضحک و به عقیده پرزیدنت روحانی «ومیدانه» اروپا برای حفظ توافق هسته‌ای با ایران بود. متعاقب آن نیز شاهد ارائه ساختاری حداقلی و فطره‌چکانی تحت عنوان «اینستکس» بودیم که مقامات وزارت امور خارجه کشورمان اصرار دارند از آن به عنوان «گام نخست اروپا» در مواجهه با تحریم‌های ایالات متحده آمریکا نام ببرند! آنچه مسلم است اینکه ایالات متحده و اتحادیه اروپایی در حال تکمیل پازل مشترکی در تقابل با ایران هستند که اجزای آن، با نظارت مستقیم مقامات ارشد آمریکا و تروئیکای اروپا (به نمایندگی از کل اتحادیه اروپایی) چیده می‌شود. متأسفانه باید این حقیقت تلخ را پذیرفت که رویکرد

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۳۳۱

